

به نام خدا

از مجموعه نگاه‌ها "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی درباره جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بنما به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۸۳) برآیند و برون داد

از آن آشنا پرسیدم:

- چند در صد از نَفَرَاتِ یک ارتش باید فطرت گرا باشند تا بتوان آن قشون را یک لشکرِ فطری نامید؟

فرمود:

- صرفاً بر اساس درصدها حکم کردن، نشانه بی تجربگی یا ساده اندیشی شخص است؛

چون

قضاوت صحیح درباره هر پدیده، مستلزم توجه همزمان به تمامی عوامل ای است که در شکل گیری

ماهیت آن پدیده مؤثر اند.

آنگاه افزود:

- در رابطه با یک ارتش نیز چنین است.

حتی اگر درصد بالایی از سربازان، فطرت گرا باشند، ولی فرماندهی قشون در دست پیروان غرایز قرار گیرد،

آن لشکر، در مجموع، غریزی عمل خواهد کرد.

همان گونه که کارآمدترین تیربار، اگر به دست یک آدمکش بیفتد، در راه ارتکاب جنایت به کار گرفته خواهد

شد.

و ادامه داد:

- پس، باید به برون داد (خروجی) آن مسلسل یا ارتش - و یا هر پدیده دیگر - توجه کرد و بر این مبنا در

مورد ماهیت آن قضاوت نمود.

به بیان دقیق تر،

باید دید که برون داد (عملکرد کلی) آن پدیده چیست: از نوع حرکات فطری است یا حرکات غریزی.

پرسیدم:

- تشخیص برون داد یک پدیده چگونه صورت می گیرد؟

در پاسخ فرمود:

- برای تشخیص درست برون داد یک پدیده، باید دید که

اولاً

اجزای تشکیل دهنده آن پدیده در چه نوع ساختاری کنار هم قرار گرفته اند؛

و ثانیاً

بین خود این اجزاء با یکدیگر، و نیز با دیگر پدیده های بیرونی، چه نیروهایی رد و بدل می شوند؛

و

ماحصل این تبادل نیروها، در مجموع، چیست؟

سپس افزود:

- به همین خاطر، تشخیص درست برون داد یک پدیده، نیازمند آشنایی با دو مفهوم بسیار مهم است:

۱- سامانه ۲- برآیند

زیرا

بسیاری از پدیده ها، از لحاظ ساختار، از نوع سامانه اند و، از نظر تبادل نیروهای درونی و بیرونی، برآیند

خاص خود را دارند.

و ادامه داد:

- آن ارتش هم یک سامانه است و برآیند خاص خود را دارد.

گیج شدم.

گفتم:

- توضیحات شما موضوع را برایم پیچیده تر کرد.

و پرسیدم:

- برآیند چیست؟ سامانه چه نوع پدیده ای است؟ و برآیند یک سامانه چه معنایی دارد؟

فرمود:

- شتاب نکنید.

عَجَلَه، کارِ شیطان است.

بیاید گام به گام و آهسته پیش برویم؛

بحث مان را با مفهوم برآیند شروع می کنیم:

برآیند، همان ماحصل تبادل نیروها بین اجزای تشکیل دهنده یک پدیده با یکدیگر، و نیز با پدیده های بیرونی،

است.

با دلخوری و بی حوصلگی گفتم:

- همچنان از حرف هایتان سر در نمی آورم.

لطفاً موضوع را به زبان تمثیل برایم بگویید.

پرسید:

- آیا هیچگاه شاهد یک مسابقه طناب کشی بوده اید؟

پاسخ دادم:

- آری. خودم بارها در آن شرکت کرده ام.

پرسید:

- اگر یک سر طناب مسابقه را ده نفر (گروه الف) و سر دیگر آن را نه نفر (گروه ب) به سوی خود بکشند، و

نیروی تک تک آن نوزده شرکت کننده با یکدیگر کاملاً برابر باشد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟

گفتم:

- طناب، با نیرویی مُعادل با نیروی یک نفر، به طرف گروه الف کشیده خواهد شد.

فرمود:

- پس، در واقع، اگر نه نفر از هر یک از این دو گروه کنار بروند، و نفر دهم گروه الف، به تنهایی، طناب را

بکشد، تا آن جا که به آن طناب مربوط می شود، همان نتیجه حاصل می گردد.

یعنی

کار آن یک نفر با ماحصل تلاش آن دو گروه مساوی است.

به بیان دیگر، برآیند کار آن نوزده نفر را می توان معادل با کار فقط یک نفر دانست.

پرسیدم:

- آیا می توان برآیند نیروهای وارد به یک شیء را **برون داد** آن دانست؟

در پاسخ فرمود:

- خیر.

برون داد یک پدیده، همان گونه که از عنوان آن بر می آید، **خروجی** آن پدیده در **کلیت** آن است. در مورد آن طناب، شاید بتوانیم، با کمی آسان گیری، برآیند نیروها را با برون داد، تقریباً، یکسان فرض

کنیم؛

اما

در **برون داد** هر پدیده، **دو عامل** نقش دارند:

عامل اول

برآیند نیروهای وارده بر آن (چه از درون و چه از بیرون) است؛

و در مثال ما، این منابع بیرونی (یعنی شرکت کنندگان در مسابقه) بودند که به طناب نیرو وارد می کردند.

و عامل دوم،

ساختار آن پدیده از نظر **چیدمان** اجزای تشکیل دهنده آن، و **نحوه ارتباط** آن اجزاء با یکدیگر است.

وقتی **سردرگمی** را در چهره ام دید فهمید که، به روال همیشگی، بدون **ذکر مثال**، کلامش را درک

نمی کنم.

از این رو پرسید:

- اگر چند نفر با نیروی نابرابر، نه دو سر یک طناب، بلکه نقاط مختلف و نامنظمی از یک میز چوبی را به

طرف خود بکشند، این بار، چه روی خواهد داد؟

گفتم:

- این جا دیگر نمی توان به سهولت و با دقت پیش بینی نمود که میز، در نهایت، با چه نیرویی، به کدام

سمت حرکت خواهد کرد.

پاسخ مرا تأیید و تکمیل کرد.

فرمود:

- آری. حق با شماست.

چون

ساختار یک میز چوبی، پیچیده تر از ساختار یک طناب، و کشیده شدن نقاط مختلفی از آن میز در جهات

متفاوت پیچیده تر از کشیده شدن یک طناب تنها در دو جهت متقابل است.

و لذا در این مورد،

پیش بینی سمت و سوی حرکت میز، و اندازه گیری برآیند نیروهای وارده به آن، نیاز به محاسبات

مفصل و دقیق دارد.

با اندکی مکث فرمود:

- توجه داشته باشید که

طناب ساختاری یکنواخت دارد، ولی حتی ساده ترین میزها از اجزای مختلف (یک رویه و چندین پایه)

تشکیل شده اند؛

و گرچه، در مثال ما، همه اجزای میز جنس مشابه دارند و از چوب ساخته شده اند،

ولی

صرف یک رویه و چند پایه، کنار هم ولی جدا از هم، یک میز محسوب نمی شوند؛

آن اجزاء، فقط و فقط، در صورتی یک میز را تشکیل می دهند که، به شکل خاصی، به هم مرتبط و متصل

شده باشند.

و افزود:

- بسیاری از پدیده های موجود در جهان، از نظر

تعدد، تنوع، و جنس اجزای تشکیل دهنده شان،

و

ساختار شان (به لحاظ نحوه ارتباط و اتصال آن اجزاء با یکدیگر)،

و نیز

نوع و میزان نیروهایی که - چه از درون و چه از بیرون - بر تک تک یا کل آن اجزاء وارد می شوند،

بسیار پیچیده تر از یک میز چوبی ساده اند.

از این رو

اندازه گیری برآیند نیروهای وارده بر این گونه پدیده ها، و پیش بینی سمت نهایی حرکت آن ها، و در نتیجه، تشخیص درست برون داد و عملکرد کلی شان، بسی دشوار است.

آن آشنا ادامه داد:

- تمامی پدیده های این عالم - چه از نظر تبادل نیروهای درونی و بیرونی و چه از منظر ساختار اجزاء - از پیچیدگی های حیرت انگیزی برخوردارند.

به همین دلیل

دانش بشری، هیچگاه، قادر نخواهد بود که، از طرق عادی و رایج، واقعیات عیان در وادی ملک را، به طور

کامل، بشناسد؛

چه رسد به کشف حقایق پنهان در ساحت ملکوت.

ادامه دارد